

یهودی منوهین



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

بلوچ هنری منوهین

- ۲ -

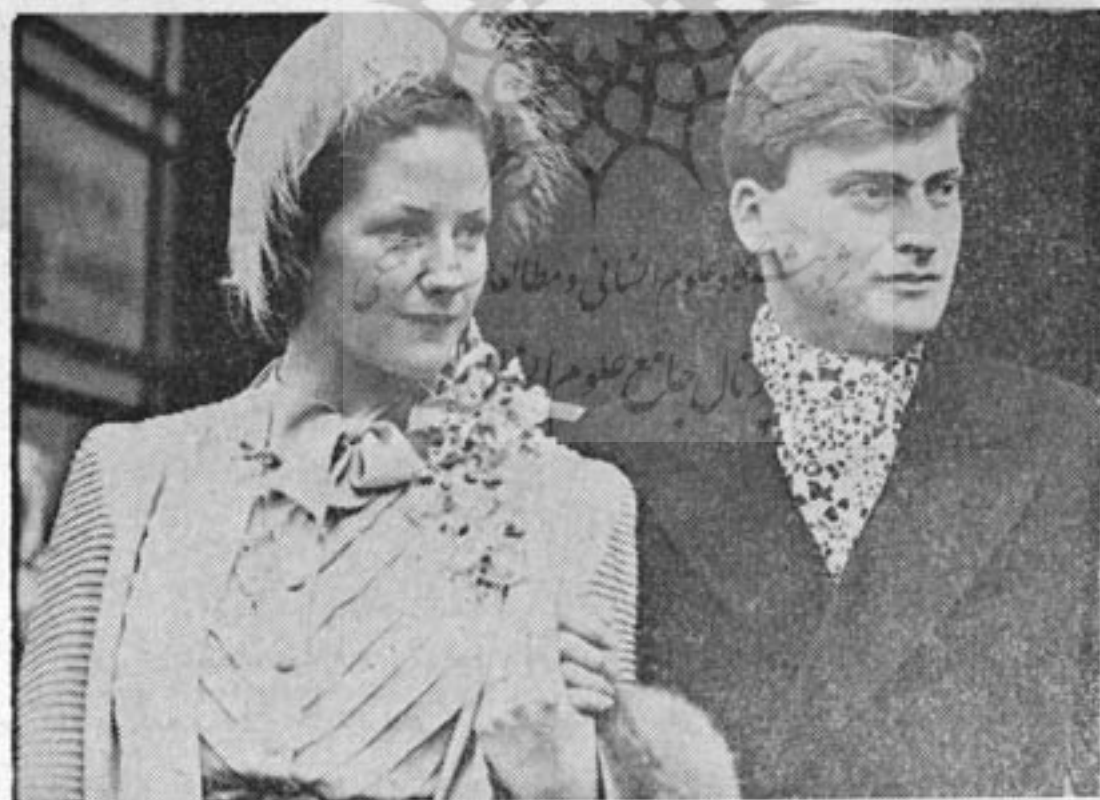
ترجمه امیر اشرف آریان پور

دیری نگذشت که « ویرتوئوز » جوان ما باردیگر بار سفر بست و بقصد اجرای برنامه زندان خانه را ترک گفت . شاید بهتر بود که یهودی هنوز مدتی نزد « آدلف بوش » کار می کرد و باین زودی خود را در اختیار ترتیب دهنده های کنسر - که قلبشان عاری از هر گونه احساس بود - نمی گذاشت .

ابتدا همه چیز بخوبی بر گذارشد. سه سال تمام یهودی در تالارهای کنسری که بلیت‌هایشان پیوسته پیش‌فروش بود، نواخت و بعد بر آن شد که «تورنه» ای در سراسر جهان بدهد؛ و در این «تورنه» بود که او یکصد و ده کنسرت در شصت و سه شهر اجرا کرد.

در سال ۱۹۳۵ خانواده منوهین به کالیفرنیا بازگشت و یهودی مدت یکسال و نیم در بروی همه بست و هیچ قراردادی جهت اجرای برنامه، امضا نکرد. در طی این مدت «ویرتوئوز» نوزده ساله با جدیت به تمرین پرداخت و بزودی بر تمام اشکالات تکنیکی و موزیکالیه غلبه کرد. او مدتی روی کنسرتو و بولون‌ناشناس روبرت شومان کار کرد و در ۶ دسامبر ۱۹۳۷ آنرا برای اولین بار در «کارنگی هال» نیویورک نواخت.

در سال ۱۹۳۸ منوهین ضمن اجرای برنامه‌هایی در انگلیس با یک دختر استرالیایی بنام «نولا نیکولاس» آشنا شد و در ۲۶ مه همانسال با او ازدواج کرد؛ چندماه بعد نیز دو خواهر یهودی هیبزیبا و یالتا دوجوان را بدام ازدواج انداختند اما متأسفانه افسون نگاهشان دبری نیابند و جوان‌ها آزادی را بر بستگی با منوهین نایبانه ترجیح دادند.



با همسر اولش

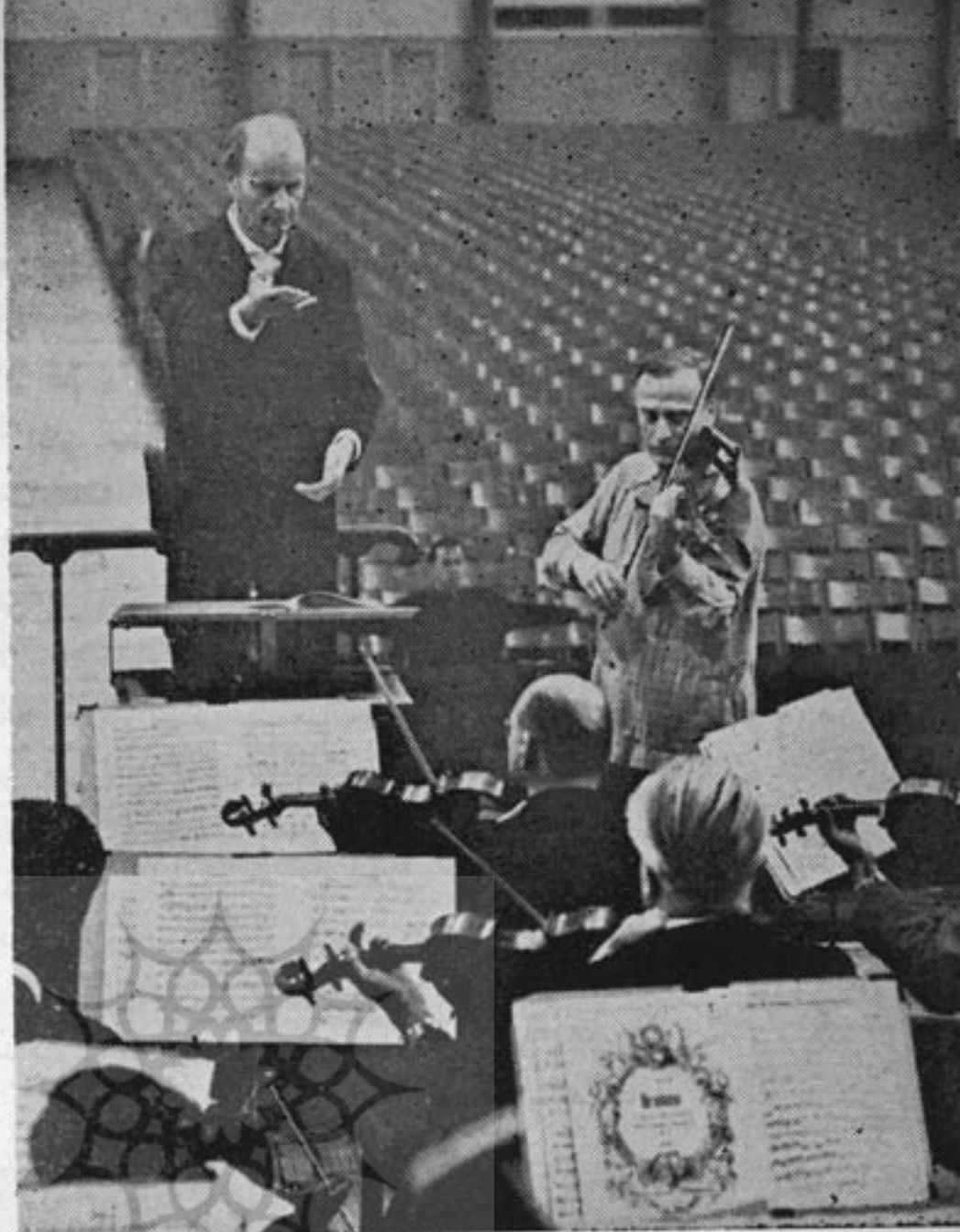
در پائیز سال ۱۹۳۸ یهودی‌کنسرهاى متعددى در امريكا و اروپا اجرا كرد و سپس با همسرش در كاليفرنيا اقامت گزيد . در ۲۹ سپتامبر ۱۹۳۹ دختر او « زامينا » بدنيا آمد . يكسال بعد نيز ، هنگامى كه يهودى در استراليا بود ، فرزند دوم او « كروف » چشم بجهان گشود .

بعد از بازگشت به امريكا يهودى داوطلبانه خود را بارتش معرفى كرد اما چون پدر دو كودك خردسال بود او را معاف كردند . از آن زمان او تمام وقت خود را صرف سرگرم كردن سربازان كرد و تا خاتمه جنگ جهانى دوم متجاوز از پانصد بار در حضور آنان نواخت ؛ از آن جمله است كنسرى در شهر « آنتورپن » بلژيك كه هنوز نيمى از آن در دست اشغالگران نازى بود ، و كنسرى در ايراي پاریس _ كه هنوز افتتاح نشده بود _ ؛ در كنسراخبر « شارل مونش » يهودى را در نواختن كنسرتوهای ويولون مندلسون و بتهوون و نيز سنفونى اسپانيول لالو همراهى كرد .

در سالهاى جنگ يهودى و همسرش غالباً از هم دور بودند و خصوصيات اخلاقى متفاوت آنان روز بروز آندو را بيشتر از هم دور مى ساخت ، عاقبت چاره منحصر بفرد را در طلاق يافتند و در سال ۱۹۴۵ از هم جدا شدند .
منوهين در سال ۱۹۴۴ با « ديانا گولد » كه بالرين سرشناس بود ، آشنا شد



با تفاق داوید او یستراخ



هنگام تمرین با فرانس فریسکای

و در سال ۱۹۴۷ با او ازدواج کرد. ثمره این ازدواج دو کودک بود. «جرالد» (متولد ۱۹۴۸) و «یرمی» (متولد ۱۹۵۱).

بعد از جنگ یهودی دوباره راهی سفر شد و کنسرتوهای متعددی در آمریکا و اروپا اجرا کرد. یهودی علاوه بر آثار دوره‌های باروک، کلاسیک و رمانتیک، ساخته‌های بلا بارتوک را نیز به «رپرتوار» خود افزود و کنسرتو ویولون، دو سونات ویولون و پیانو و سونات‌های را که بارتوک برای ویولون تنها نوشته و با او هدیه کرده بود، بدفعات نواخت.

یهودی با موسیقی معاصر مانوس نبود و جز کنسرتو ویولون الکار - که یک اثر رومانتیک نوین محسوب می‌شود - و ساخته‌های بارتوک - که آنان را نیز در شمار هنر کلاسیک می‌توان آورد - بسایر آهنگسازان معاصر توجه خاصی نداشت و ساخته‌های شونبرگ، برگ، ورن، استراوینسکی، هیندمیت و جان شینان آنان در «رپرتوار»

او محلی از اعراب نداشت . البته یهودی آثار این آهنگسازان را شنیده و تعدادی از آنها را در برخی از کنسرهايش نواخته بود اما این « توجه » با عشقی که با آثار گذشتگان داشت از زمین تا آسمان متفاوت بود .

یهودی در ضمن اجرای کنسرتو ویولون بارتوک ، با ساخته‌های آهنگساز بزرگ آشنا شد . او اولین بار این کنسرتو را با شرکت ارکستر سنفونیک مینیاپولیس برهبری دیمیتری میتروپولوس نواخت و از آن پس آنرا در بسیاری از تالارهای کنسرتو جهان و نیز جهت ضبط در صفحات گرامافون ، اجرا کرد .

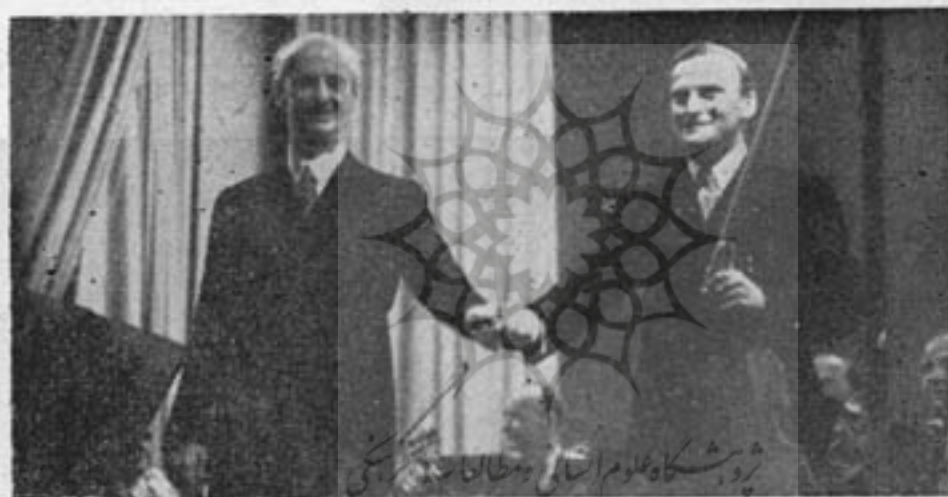
نخستین دیدار در سال ۱۹۴۳ بین یهودی و بارتوک دست داد . در این ملاقات یهودی سونات ویولون و پیاو شماره يك بارتوک را به‌راهی پیاو آدولف بالر ، نواخت . بارتوک از اجرای او فوق‌العاده محظوظ شد بطوریکه در پایان برنامه از جا برخاست ، به منوهین تعظیمی کرد و گفت :

« من فکر می‌کردم وقتی می‌توان اثری را باین زیبایی نواخت که سازنده آهنگ سالها پیش در گذشته باشد ! »



منوهین از بارتوک تقاضا کرد که سونات‌های ویولون تنها بنویسد . این سونات در زمستان سال ۱۹۴۳ پایان رسید و منوهین آنرا در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۴ برای اولین بار در نیویورک نواخت . او از بارتوک دعوت کرد که تابستان سال ۱۹۴۵ را با اتفاق بگذرانند . متأسفانه وضع مزاجی بارتوک اجازه قبول این دعوت و مسافرت

به کالیفرنیا را نداد و چندی بعد (۲۶ سپتامبر ۱۹۴۵) درگذشت .
 بعد از جنگ کنسره‌های منوهین بیشتر در کشورهای اجرا می‌شد که مردم آن
 همه چیز خود را در جنگ از دست داده و با مرگ و گرسنگی و بیماری دست‌پکر بیان
 بودند . بسیاری از شنوندگان برنامه‌های او بر علیه « ناسیونال سوسیالیست » جنگیده
 و یا وطنشان بوسیله ارتش نازی اشغال شده بود ؛ علاوه بر آنها جمعی از اهالی
 آلمان نیز شاهد هنرنمایی منوهین بودند .
 منوهین از اتباع یهود بود و بسیاری از هم‌دینان او بوسیله نازی‌ها قتل‌عام
 شده و ناجوانمردانه کشته شده بودند ؛ اما مثل اینکه در قلب نوازنده جوان کینه
 و انتقام راهی نداشت ، زیرا در اواخر ۱۹۴۵ با رهبر معروف آلمانی « ویلهلم
 فورتوانگلر » همکاری کرد و همین امر خشم بسیاری از مردم جهان را علیه منوهین
 برانگیخت .



رتال با ویلهلم فورتوانگلر ، ۱۹۴۷

منوهین یکی از اولین هنرمندانی است که بعد از جنگ به آلمان رفت . او
 در پائیز ۱۹۴۷ سه کنسرت در برلین اجرا کرد و این برنامه‌ها بهمان اندازه که مورد
 استقبال مردم آلمان قرار گرفت ، با خشم و نفرت یهودیان سراسر جهان روبرو شد ؛
 شاید به همین دلیل با تمام اشتیاقی که او برای اجرای برنامه در کشور جدیدالتاسیس
 اسرائیل داشت ، تا بهار ۱۹۵۰ موفق به مسافرت بآن دیار نشد . خوشبختانه اولین
 کنسرت مشترک او و خواهرش هیپزیربا در تل‌آویو بهمه اختلافات خاتمه داد . یک
 سال بعد دوباره با اسرائیل رفت و در ۱۹۵۲ بدعوت ارکستر سمفونیک اسرائیل

عازم سرزمین قوم یهود شد . از آن پس در اسرائیل نیز از منوهین باندازه سایر کشورهای جهان استقبال می کنند .

منوهین شیفته فرهنگ و فلسفه هند است . در سال ۱۹۵۱ نهر و نخست وزیر ققید هند از او رسماً دعوت کرد که برای اجرای چند برنامه عازم هندوستان شود . منوهین که در آن زمان به مکتب «یوگا» دل بسته بود این دعوت را پذیرفت و در اوایل سال ۱۹۵۳ برنامه‌هایی در شهرهای هندوستان اجرا کرد . عواید کنسرها را وقف کمک به گرسنگان هندی نمود . از آن زمان تا کنون منوهین سهم بسزائی در رواج موسیقی غربی در هندوستان داشته و نیز یکی از مبلغان صمیمی زیبایی ریتم و ملودی موسیقی هندی است .

بشردوستی یهودی منوهین منحصر به کمک به گرسنگان هندی نیست . او هنر خود را وقف انسان‌ها کرده و بوسایل مختلف بیاری مردم برخاسته است . از جمله تشکیلات عظیمی در لندن ایجاد کرده که در آنها مواد غذایی را بصورت خام و طبیعی در دسترس مردم می گذارند . بمقیده او مواد شیمیائی موجود در اغذیه زیان آور است و باید از خرید و استفاده ساخته‌های مصنوعی و مایحتاج زندگی که بصورت غیر طبیعی تهیه می شود ، خودداری کرد .

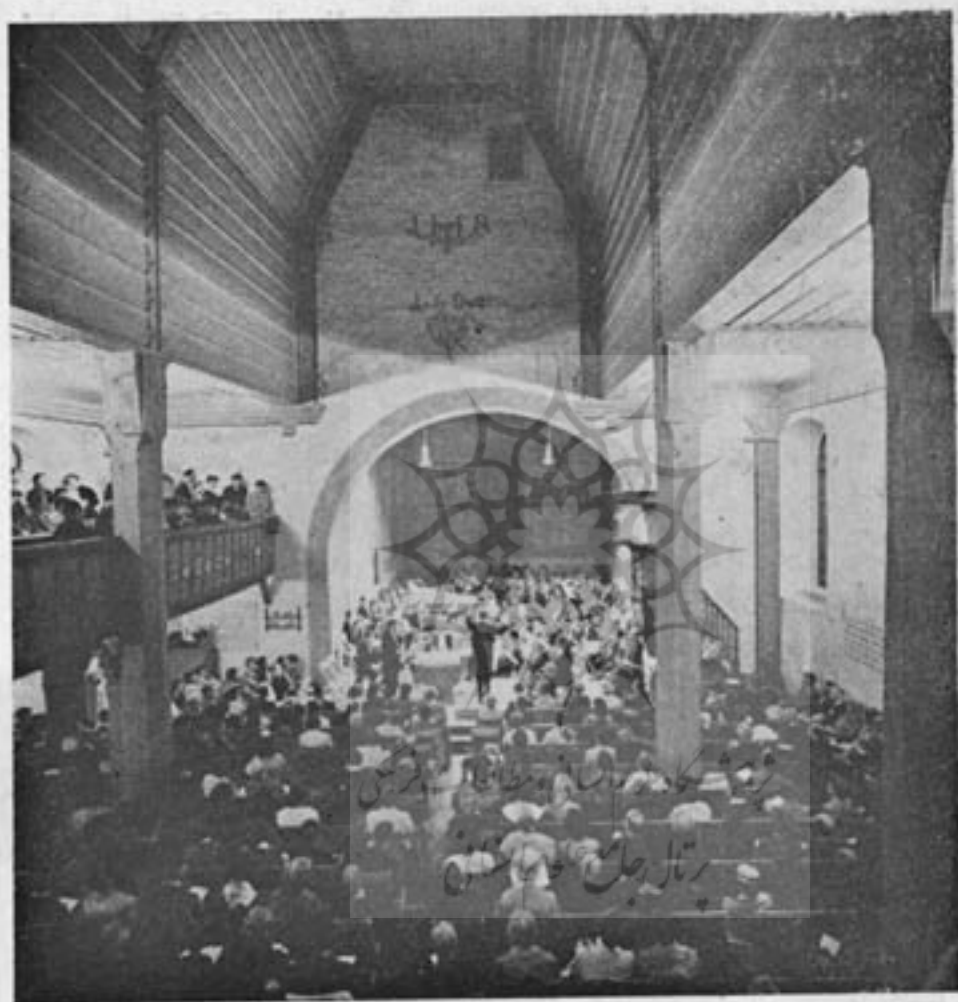
منوهین همواره آماده کمک به «ویز توئوز» های جوان است و بی جهت نیست که بسیاری از مردم عقیده دارند که خصوصیات انسانی و بشردوستی منوهین بمراتب



با ارزش تر و مهم تر از تماس آرشه او با ویولونش می باشد .



وقتی که امروزه منوهین را در تالار کنسرتی بشنویم و بعد بسراغ صفحه های گرامافونی که سالها پیش از اوضیط شده برویم ، بخوبی متوجه می شویم که یهودی منوهین دیگر بهترین نوازنده ویولون جهان بشمار نمی رود .



در حین اجرای برنامه با شرکت ارکستر مجلسی زوریخ

منوهین در سال ۱۹۳۲ کنسرتو ویولون الکاز را روی صفحه ضبط کرد . این صفحه بخوبی نمایشگر اعجاز هنر نوازندگی ویرتوئوز جوان ما است . شیوه دلنشین نوازندگی او و تسلط فوق العاده اش بر ساز در ضمن اجرای این کنسرتو بخوبی بچشم می خورد و برآستی شخص را مقتون این همه نبوغ و استادی می نماید .



تمرین با ارکستر سنفونیک
راديو باویر برهبری
« آریک کلر »

در آن زمان خصوصیات فیزیکی و بدنی منوهین عالی بود . عضلات دست او نرمی لازم را داشت و انگشتان دست چپ - و نیز بازوی راستش - چنان طبیعی حرکت می کردند که گوئی نوازندگی وی بولون از ساده ترین کارهاست . تکنیک تمیز و شفاف و موزیکالیتیه فوق العاده او در دوازده سالگی به مرحله کمال رسیده بود و او در اجرای آثار باخ تا ساخته های بارتوک بیک اندازه از خود هنرمندی نشان می داد . متأسفانه امروز منوهین به مرحله ای رسیده که دیگر نمی توان نوازش را نادیده گرفت ، مدتی است که از آزادی او در موقع نواختن خبری نیست ، دست راست و رزیدگی خود را تا حد زیادی از دست داده و ظرافت اجرای او جای خود را به خشونت داده است .

منوهین يك كودك نابغه و استثنائی بود و متأسفانه باید پذیرفت که سرنوشت این گونه كودكان پیشترس هیچگاه جز این نبوده است .

معلمان منوهین

ذکر نام اولین معلمان منوهین ضروری نیست زیرا او از هر يك از آنان بیش از چند جلسه درس نگرفت . تعلیم جدی او نخستین بار در ماه مه ۱۹۲۱ بوسیله «زیگموند آنکر» شروع شد . آنکر به استعداد فراوان یهودی پی برد و پس از مدت کوتاهی او را برای اولین بار بروی صحنه آورد .

چندی بعد منوهین به سراع «لویز پرسینگر» رفت . در آن زمان پرسینگر معاون رهبر ارکستر سنفونیک سانفرانسیسکو بود . او رهبری را نزد «آرتور نیکیش»^۱ و نوازندگی ویولون را نزد «ئوژن یسای» فرا گرفته بود . پرسینگر از ۱۹۰۷ تا ۱۹۱۵ در بروکسل و برلن نوازندگی می کرد و مدتی در ارکستر فیلارمونیک برلن می نواخت .

نوازنده با سابقه با جدیت فراوان به تعلیم یهودی پرداخت و بزودی منوهین در اجرای قطعات کلاسیک تکنیک خوبی پیدا کرد و از نظر موزیکالیته تا حدی تحت تأثیر سنن موسیقی اروپائی - که پرسینگر دارا بود - قرار گرفت .



در این زمان معلم و شاگرد غفلت بزرگی کردند و همین « غفلت » عامل اصلی نقص نوازندگی امروز منوهین است. توضیح آنکه یهودی چنان به فراگرفتن ساخته‌های آهنکسازان بزرگ توجه داشت که پرسینگر فرصت نکرد او را به تمرین «اتود»ها وادارد؛ چیزی که فراگرفتن آن برای يك نوآموز خسته‌کننده نیست و بخصوص يك هنرجوی با استعداد بآن نیاز فراوان دارد. بعدها منوهین دریافت که فراگرفتن «اتود» اساس و پایه کار هر نوازنده است.

پرسینگر بخوبی می‌دانست که تعلیم و پرورش يك نابغه کارآسانی نیست، بهمین جهت بعد از مدتی بر آن شده که او را به معلم کاردان تری بسپارد و کسی را بهتر از معلم سابق خود «یسای» ندانست.

بزودی یهودی عازم اروپا شد و در بروکسل بسراغ «یسای» که اینک پیر و بیمار بود رفت. نوازنده پیر مدتی نواختن یهودی را شنید و بعد از اوخواست که شروع به تمرین گام و «آرپژ» بکند. این ملاقات اثر خوبی در منوهین نگذاشت و بهمین جهت برخلاف میل پرسینگر ژرژ انسکو را به معلمی برگزید.

انسکو در سال ۱۸۸۱ در رومانی متولد شد و از چهار سالگی شروع بنواختن ویولون کرد؛ چندی بعد به آهنکسازی نیز پرداخت و در سال ۱۸۸۸ در شهر وین نزد «هلمسبرگر» به تعلیم ادامه داد. در سیزده سالگی به پاریس رفت و در آنجا رشته ویولون را نزد «مارسیک»^۲ و آهنکسازی را نزد ماسنه، فوره و ژدال^۳ فراگرفت. از سال ۱۸۹۸ شهرت انسکو بعنوان آهنکساز، نوازنده و رهبر ارکستر در همه جهان پیچید و او پس از اجرای برنامه‌های متعددی در اروپا و امریکا، از ۱۹۴۶ برای همیشه مقیم پاریس شد و در سال ۱۹۵۵ درگذشت. (بقیه دارد)

پرتال جامع علوم انسانی